

## حقوق زن، حقوق بشر است

### نیلوفر بیضایی

قرن بیست و یکم است و ما در آستانه ی روز جهانی زن هستیم. سرزمینمان ایران همچنان با "قرون وسطا" ی خویش دست و پنجه نرم می کند و زنان ایران همچنان از نظر "قانون"، موجوداتی ناقص العقل محسوب می شوند.

حکومت اسلامی و قوانین آن بر پایه ی تبعیض و نقض حقوق بشر استوار است که در دو عرصه ی اصلی نمود عینی پیدا می کند: جنسیت و دگراندیشی. عبارت دیگر بر طبق قانون اساسی و قوانین مدنی حکومت دینی، انسانها بر اساس جنسیت، باور و اعتقاد از نظر حقوقی تقسیم شده اند. این تقسیم حقوقی که از احکام اسلامی نشأت می گیرد، از یکسو بمعنای نفی "فردیت" انسانهاست و از سوی دیگر موجب ایجاد شرایطی کاملا تبعیض آمیز شده است که بر طبق آن عده ای نسبت به عده ی دیگر از امتیازات ویژه برخوردارند و عده ای، حتی از حق حیات و زندگی انسانی خویش محروم گشته اند. بر خلاف اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که مبنا را برسمیت شناختن حقوق فردی انسانها قرار داده است، در قوانین حکومت اسلامی مبنا بر برتری حقوق جمعی گروهی بر گروههای دیگر گذاشته شده است. از یکسو زنان که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، مکررا و به وضوح مورد تبعیضات بیشمار قانونی قرار گرفته اند و از سوی دیگر دگراندیشان، غیرمسلمانان، مسلمانان اهل سنت و حتی مسلمانان شیعه ای که در مقام "اجتهاد" و "فقاہت" قرار ندارند (یعنی اکثریت ملت)، طبق این قوانین از حق تعیین سرنوشت خود محروم گشته اند.

بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر که همه ی انسانها صرف نظر از جنسیت، نژاد، زبان، رنگ پوست، گرایش فکری، گرایش دینی، اعتقادات شخصی را صاحب حقوق برابر می داند، قانون اساسی جمهوری اسلامی با حذف "جنسیت"، "باور و عقیده" و "تعلق دینی" و همچنین مرکزیت بخشیدن به نقش "ولی فقیه" و شورای نگهبان، از یکسو حقوق زنان، دگراندیشان و غیرمسلمانان را و از سوی دیگر حق تعیین سرنوشت کلیه ی آحاد ملت را، نقض می کند.

در مقدمه ی قانون اساسی، وظیفه ی زنان تربیت فرزندان "مکتبی" و مومن شمرده می شود، عبارت دیگر زنان پیش از اینکه بعنوان انسان حقوقمند برسمیت شناخته شوند، بعنوان "مادر" ، آنها فقط مادر مسلمان و موظف به تربیت فرزندان مکتبی، مورد قبول قرار می گیرند. بر طبق همان قانون اساسی، زنان حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری ندارند، بر طبق قوانین مدنی اش، شهادت دو زن باندازه ی شهادت یک مرد معتبر است و یک زن، نصف مرد ارث می برد، سن ازدواج دختران ۹ سال است (برسمیت شناختن تجاوز به کودک)، زنان حق قضاوت و اشتغال بعنوان قاضی ندارند، زنان حق انتخاب پوشش ندارند، حق تصمیم گیری در مورد زنان بعهدده ی پدر یا شوهر است و بسیاری موارد دیگر که بارها گفته و نوشته شده و بازگویی آن شاید تکرار مکررات باشد، اما هر بار چشمها را بر واقعیت دردناک باز می کند و ابعاد فاجعه را به تصویر می کشد.

اگرچه آنچه در بالا آمد، موارد بیشمار نقض حقوق دیگر آحاد ملت، از اقلیتهای مذهبی گرفته تا دگراندیشان... را از قوانین مدنی و قانون قصاص بازگو کنیم، خود ما که ایرانی هستیم و بناچار با افکار قرون وسطایی رجال دینی آشناییم، باز انگشت حیرت بر دهان می گیریم و می اندیشیم، در قرن ۲۱، چگونه چنین چیزی ممکن است. انگار خواب می بینیم یا باید خود را به خواب بزنینم تا تحمل و هضم آنچه بر ملتمان می رود، برایمان ممکن شود. چگونه می توانیم به فرزندان آینده ی این سرزمین بگوییم که ما در قرن بیست و یکم به وقت جهان، تمام نیرو و توان ملی مان صرف جنگیدن با مناسبات چهارده قرن پیش شده است. این ناهمزمانی را چگونه می بایست توضیح بدهیم. چگونه بگوییم که در عصر دیجیتال و کشف ماه، ما در کجای زمان ایستاده ایم و چرا.

چگونه بگوییم که زنانمان سنگسار می شوند، چگونه بگوییم که در کشورمان طبق "قانون"، زن می بایست از شوهر و پدر اطاعت کند و اگر نکند و بدست یکی از آنها کشته شود یا مورد خشونت قرار بگیرد، مجازاتی در کار نیست. چگونه بگوییم که در کشورمان از نه سالگی، بعنوان زن به آنها نگاه می شود. چگونه بگوییم، زنان کشورمان نه حق طلاق دارند و نه حق حضانت فرزند. چگونه بگوییم که زنانمان بدون اجازه ی همسر یا پدر، حق انتخاب شغل ندارند، حق سفر ندارند، حق بودن و زیستن نیز ندارند.

چگونه بگوییم، آمار دختران فراری در کشورمان سرسام آور است. دخترانی که تحت فشار قرار دارند، مورد خشونت و تجاوز قرار می گیرند. دخترانی که قانون تبعیض آمیز اسلامی، حق تملک آنها را به پدران، برادران و همسران سپرده است. دخترانی که مانند شیء به آنها نگاه و با آنها رفتار می شود. دخترانی که تنها بعنوان ابزار ارضاء جنس مخالف دیده می شوند. چگونه بگوییم که بسیاری از دخترکان سرزمینمان، در سنین نوجوانی، بجای رد و بدل کردن دفتر خاطرات یا چسباندن عکس فلان هنرپیشه بر روی دفترشان، بجای گفتن از عشق و آرزو، در ذهن خود نقشه ی خودکشی می کشند تا از این زندگی که یکسره بندگی است، رها شوند. چگونه از زندگی و عشق بگوییم، آنجا که مرگ و شکنجه و زندان، افیون و بردگی جنسی، آینده سازان آن سرزمین را به نیستی می کشاند.

باید بگوییم. باید بگوییم در قرون وسطای ایرانمان که تک تک ما دانسته یا نادانسته، خواسته یا ناخواسته، در ایجاد بی عدالتیها و نامردمیها و تبعیضات و بربریت حاکم بر آن نقش داشته ایم، جنبشی در حال شکل گیری است که مصمم است تا قرون وسطای درون و نمود بیرونی اش (حکومت اسلامی) را به چالش بکشد و اینبار آگاهانه می خواهد ایران را به قرن بیست و یکم بیاورد.

امروز در برابر اینهمه بی عدالتی و تبعیض و به همت بسیاری از زنان آگاه کشورمان که تن به ظلمت ندادند و تمکین پذیر نیستند، جنبشی شکل گرفته است که حکومت دینی را با تمام جناحهای درون و بیرون آن، به چالش کشیده است. حکومت اسلامی و دلبستگان آن می دانند که مسئله ی زن، پاشنه ی آشیل آنهاست و حساسیت افکار عمومی جهان نسبت به حقوق زنان در ایران، امری است غیر قابل انکار. در برخورد با حقوق زن است که تمام راویان "اسلام راستین" و "دروغین"، به نقاط مشترک فراوان می رسند و بهمان نسبت از خواسته های زنان و ملت ایران دورتر می شوند. اما این جنبشی که دارد شکل می گیرد، جنبش زنان ایران، بدلیل استقلال خود، بدلیل پیوند تنگاتنگش با دموکراسی خواهی و سکولاریسم، بدلیل فراگیر بودن خواسته هایش، یکی از مهمترین پایه های جنبش دموکراسی خواهی ایران است. مگر نه اینکه حکومت اسلامی از آغاز تاسیس خود، زنان ایران را اولین هدف تبعیض و سرکوب قرار داد. مگر نه اینکه حکومت در این بیست و پنج سال نتوانست زنان ما را به پستوی خانه براند و مگر نه اینکه در این بیست و پنج سال بسیاری از زنان ما در راه تجهیز خود به دانش و ذخیره ی انرژی برای مقابله با بربریت قدم برداشته اند و مگر نه اینکه امروز یکی از مجهزترین و آگاهترین ارکان جنبش دموکراسی خواهی ایران را جنبش زنان تشکیل می دهد. امروز زنان ما با وجود سرکوب بی امان دینمدارانی که خشونت تنها ابزار تداوم حیاتشان است، در پارک لاله ی تهران جمع شدند تا به قوانین تبعیض آمیز حکومت اسلامی اعتراض کنند و بگویند که بر زنان ایران چه می رود. امروز زنان ایران، هشت مارس، روز جهانی زن را گرامی داشتند تا بگویند زنان ایران، ملت ایران، جزئی از جامعه ی جهانی است و بگویند که حقوق زنان، حقوق بشر است و باز هم بگویند که حقوق بشر در ایران بیست و پنج سال است که بی وقفه نقض می شود. امروز زنان ایران، بار دیگر اعلام کردند که ملت ایران خواهان دموکراسی است و دموکراسی و برابری حقوق و رفع تبعیض، تنها از مسیر کوتاهی دست دین و ایدئولوژی از قدرت سیاسی می گذرد. روز زن بر زنان ایران مبارک باد.